

سین هفتم هفت سین جهان

دنیا پر از سین است و شما می توانید از بی شمار سین های عالم هر کدام را که خواستید بردارید. من از میان همه سین ها سیمرغ را انتخاب می کنم. هر چند گنجشکی کوچکم و هر چند روی شاخه نازک نشسته، اما دلم بی تاب پر زدن در هوای قاف است. بی تاب آن کوه بلندی که روی لبه جهان است و آن طرفش دیگر خاکی نیست و زمینی؛ و همه اش آسمان و همه اش ملکوت است؛ و به فکر آن درختم که سیمرغ بر آن آشیانه دارد و شاخه هایش تا دورترین نقطه آسمان رفته است. اگر سیمرغی هست پس گنجشک ماندن و بلبل ماندن و طاووس ماندن گناه است. باید رفت و بسیار رفت باید پر زد و بسیار پر زد تا آهسته آهسته سیمرغ شد. اگر سیمرغ را می خواهی باید سفر کنی و این سفری سخت است؛ بسیار سخت. اما باید خوشحال باشی و سرخوش بروی و سادگی، توشه ات باشد و باید یاد بگیری که کمتر سخن بگویی و بیشتر عمل کنی. پس سکوت، زبان این سفر است و هر چه می روی طعم سبکی را بیشتر می چشی. سالی نوآمده است و من سفره ای به بزرگی جهان پهن می کنم و هفت سینی می چینم از سفر و سختی و سادگی و سکوت و سبکی و سرخوشی. اما همه سین ها، تنها در کنار سیمرغ زیباست که سین هفتم هفت سین جهان است.

نویسنده عرفان نظر آهاری